هزار
26 12 19
۵شنبه
۰۵ دی ۱۳۹۸
۲۹ ربیع الثانی ۱۴۴۱
شماره ۳۰۰۴

ویژه آخر هفته

خاطرات شیرین فردا

حاتمی | این اتفاق بارها تکرار شده است، روزهایی که با بروز یک مشکل کوچک در زندگی‌مان تصور می‌کنیم به آخر دنیا رسیده‌ایم و هیچ راه گریزی برایمان باقی نمانده است، اما چند وقت بعدش، بازگو کردن خاطرات گذشتن از آن مشکل (یا چیزی که تصور می‌کردیم مشکل است) به یکی از شیرین‌ترین خاطراتمان تبدیل می‌شود. همه این‌ها به ما یادآوری می‌کند که مشکلات امروزمان را هم زیاد جدی نگیریم. مشکلات امروز، خاطره‌های شیرین فردایند.

روزنوشت‌های شهری

مسافر سنت در هزاره سوم (۳۰)

شمشیر جنگ نرم!

حجت الاسلام محمدرضا زائری
کارشناس مسائل فرهنگی

شنبه

دارم به مسافر بغل‌دستی‌ام می‌گویم راحت بنشین که صدای راننده بلند می‌شود: آره بابا اینکه پراید نیست! پرایدم را دزدیده‌اند. حرف تندی نثار رئیس جمهوری می‌کند! مسافر پیرمرد با لهجه‌ای شیرین می‌گوید: او چه‌کاره است؟ تو رأی داده‌ای! هنوز دنده ۳ رانزده که بحث می‌رسد به اختلاس‌ها وآه مردم و.... می‌گویم: آقامن اشتباه کردم. بی‌خیال! هر طور می‌خواهی بنشین!

یکشنبه

کارم که با عابربانک تمام می‌شود می‌بینم آن مرد جوان خوش‌قدوبالایی که دورتر ایستاده بود منتظر من بوده است. جلو می‌آید و بعد از اظهار لطف می‌گوید: من و خانمم هردو سال‌هاست دکترایمان را گرفته‌ایم. از سال ۲۰۰۸ پذیرش داشته‌ایم و نرفته‌ایم. ۱۱ سال است منتظریم بهانه‌ای برای ماندن پیدا کنیم ولی الان دیگر قصد رفتن داریم. از لحن صدا و حالت چهره‌اش ابهام و نگرانی پیداست. گرچه می‌گوید تصمیمش را گرفته است، انگار هنوز هم با تردید بر لب خطی بین ۲ سرزمین نشسته و من آخرین نفری هستم که باید فقط با نوک انگشتانم او را هل بدهم!

دوشنبه

راننده به مسافر میان‌سالی که با دختر نوجوانش سوار شده است و برای مقصدی دورتر چانه می‌زند می‌گوید: من برای پیرمردها و محصل‌ها و سربازها احترام قائلم! مرد نگاهی به دخترش می‌کند و با خنده می‌گوید: من رو می‌گی؟ من می‌گویم: دست‌کم جلو دخترش نگو! دخترک به پدرش چسبیده و خجالت می‌کشد چیزی بگوید. بالاخره راننده کوتاه می‌آید و قبول می‌کند که زیر هشتادساله‌ها هنوز پیر نیستند!

سه‌شنبه

وسط ازدحام مسافران صدایی توجه من را به خود جلب می‌کند! کسی فریاد می‌زند: شمشیر جنگ نرم! شمشیر جنگ نرم! با کنجکاوی گوش می‌دوانم و چشم می‌گردانم. مرد دست‌فروش که توپ و عروسک‌های پلاستیکی را با تلمبه‌ای باد می‌کند شمشیری را تکان می‌دهد و می‌گوید: این شمشیرها خوراک جنگ نرم است! منظورش مناسب بودن این اسباب بازی برای بچه‌هاست! بعد هم برای اثبات بی‌خطر بودنشان، محکم شمشیر را چند بار به سر خود می‌زند!

چهارشنبه

مرد با دیدن من زیر لب غر می‌زند و دنبال بهانه است که چیزی حواله‌ام کند. بهانه را که پیدا می‌کند یک‌ریز بد و بیراه می‌گوید به همه کسانی که وضع را به اینجا رسانده‌اند و می‌نالد: من هم دیگر یزیدی شده‌ام. ملت دیگر اعتقادشون رو از دست داده‌اند. یک وقتی بود اسم حضرت عباس(ع) می‌آمد ارمنی‌ها هم احترام می‌کردند ولی حالا خود مسلمان‌ها هم اعتقادی ندارند و می‌گن ابوالفضل کی بوده؟ ابوالفضل کجا بوده؟ در همین هنگام ناگهان واگن قطار مترو تکان شدیدی می‌خورد و جمعیت به هم می‌ریزد و چند نفر ناخودآگاه می‌گویند: یا ابوالفضل! بعدش همه می‌خندند و طرف دیگر ساکت می‌شود!

پنجشنبه

بعد از غروب پسرم با ماشین آمده دنبالم که با هم برگردیم و بدون آنکه حواسمان باشد سر از بلوار مخصوص دوردور درمی‌آوریم! توی ترافیک شب جمعه مانده‌ایم و سرم به گوشی موبایل گرم است. پسرم به شیشه بغل اشاره می‌کند! راننده ماشین شاسی‌بلند آلبالویی شیشه‌اش را پایین داده و بعد از سلام و احوالپرسی، اظهار محبت می‌کند و شماره تلفن من را می‌خواهد!
می‌خندم و می‌گویم: اشتباه نگرفته‌ای؟ قاعدتا اینجا از منِ آخوند نباید شماره بگیری!

به وقت گشت و گذار

سونامی حادثه روی تاتامی

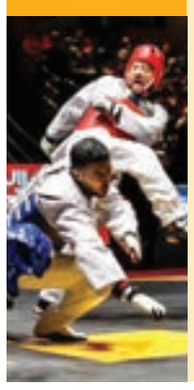

میلاد صدرعاملی پس از سال‌ها ایستادن کنار دست کارگردان بزرگی مثل رسول صدرعاملی، با اولین فیلم بلندش پا به سینما گذاشته و در یک حرکت جسورانه وارد ژانری شده است که در ایران کمتر به آن پرداخته می‌شود. «سونامی» به چالش‌های رقابتی ورزشکاران تکواندو می‌پردازد. فیلم‌نامه آن را میلاد صدرعاملی و علی اصغری به طور مشترک به نگارش درآورده‌اند و بازیگرانی مثل بهرام رادان، مهرداد صدیقیان، علیرضا شجاع نوری و رعنا آزادی‌ور در آن ایفای نقش می‌کنند. فیلم از لحاظ جلوه‌های بصری و اکشن فیلمی جذاب به حساب می‌آید و اگرچه داستان و فیلم‌نامه آن در بعضی جاها نقص دارد، در مجموع این فیلم ارزش صرف وقت و هزینه را دارد.

یک عاشقانه سرخ

«سردار سرخ برای دستگیری سردار عوض‌خان و سرکوب قیام او به منطقه آمده. سردار عوض خان قرار است در یک عروسی حضور داشته باشد. با نیامدنش به عروسی، سردار سرخ عروس را به اردوی خود می‌برد. حالا اهالی ایل در تلاش‌اند عروس را آزاد کنند. عوض‌خان نیز به این حرکت ایل می‌پیوندد و ...» این خلاصه نمایش «عروس سرخ» است، نمایشی بر اساس یک داستان فولکلور شمال خراسانی که این روزها در سالن نمایش هتل ثامن در ابتدای جاده طرقبه به نمایش درمی‌آید. پیشنهاد می‌کنیم اگر به دیدن یک داستان عاشقانه در دوره خان و خان‌سالاری علاقه دارید به تماشای آن بروید. فرشید تمری نویسندگی و کارگردانی این اثر را بر عهده دارد و داستان با اجرای استادانه دوتار محسن میرزازاده روایت می‌شود.

از «دیدوان» دیدن کنید

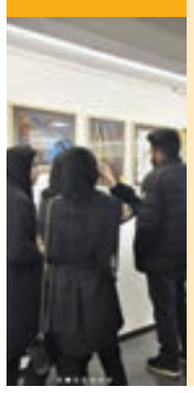

اولین هفته زمستان را با رفتن به نگارخانه‌ها و دیدن آثار هنری سپری کنید به این امید که سرمای این فصل از گرمای هنر در زندگی شما کم نکند. پیشنهاد ما هم برای گردش آخر هفته شما بازدید از نمایشگاه عکس گروهی «دیدوان» است. این نمایشگاه از یکشنبه، یکم دی، در نگارخانه ارغوان آغاز شده است و تا جمعه، ۶ دی، ادامه دارد. در این نمایشگاه آثار منتخب عکاسانی از جمله لاله نظری، سمیرا اقدسی، نگین اورانی، ملوک پورشعبان و هنگامه پیروز به نمایش درآمده است. هنرمندان و هنردوستان می‌توانند برای بازدید از این نمایشگاه از ساعت ۱۷ تا ۲۰ به نگارخانه ارغوان واقع در بولوار سجاد، بین سجاد ۲ و ۴، پلاک ۸۶ مراجعه کنند.

مهاجران زمستانی در کشف‌رود

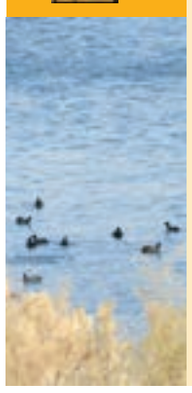

این روزها شاهد حضور پرندگان زمستان‌گذر از مناطق سردسیر همچون آسیای میانه و روسیه به ایران هستیم و استان ما هم در پهنه‌های آبی و خاکی خود میزبان آن‌هاست، پرندگانی همچون اردک سرسبز و تاج‌دار، عقاب صحرایی، سنقر خاکستری و ... که تالاب‌های حوزه کشف‌رود، دریاچه بزنگان، سد دوستی و دیگر سدهای استان را برای حضور در زمستان انتخاب کرده و جاذبه‌هایی دیدنی در این مناطق به وجود آورده‌اند. پیشنهاد می‌کنیم دوربین و وسایل مختصر سفر بردارید و به یکی از این مناطق بروید و از دیدن این پرندگان لذت ببرید. کم پیش می‌آید که در چند ساعت پرنده‌نگری، بتوان ده‌ها گونه و رفتارهای مختلفشان را دید.

گزارش داغ

روزگار تلخ اهالی روستای «پُزْم» در سیستان و بلوچستان

چینی‌ها دریا را جارو کرده و رفته‌اند

حاتمی | روزنامه «شهروند» در گزارشی به قلم زهرا مشتاق از روزگار تلخ اهالی روستای پزم نوشته است، از درد مردمانی که می‌گویند چینی‌ها با قایق‌های بزرگ و پیشرفته دریا را درو کرده‌اند. در بخشی از این گزارش که با تیتر «دست‌ها در خواب هم تور می‌بافند» نوشته شده است: «الهی‌بخش بلیدی می‌گوید دریا را جارو کرده و رفته‌اند. برای صیادهای کنارک چیزی نگذاشته‌اند. چینی‌ها را می‌گوید که با قایق‌های بزرگ و پیشرفته دریا را درو کرده‌اند. پزم بوی ماهی می‌دهد، بوی تند میگو، بوی دریا. حرفه تمام اهالی این روستا با دریا گره خورده. یا ماهیگیرند یا تور ماهیگیری می‌بافند. نیمه آذرماه است و پنکه سقفی خانه الهی‌بخش با سر و صدای زیاد می‌چرخد. زنش حمیده‌خانم درزاده می‌گوید اگر دریا را جارو نکنند و چیزی هم برای مردهای ما بگذارند، ته سفره ما خالی نمی‌ماند. نانی برای خوردن پیدا می‌شود اما الهی‌بخش آن‌قدر که لب‌هایش می‌خندد، در چشم‌هایش امیدی نیست.»

جدول ۲۸۴۱

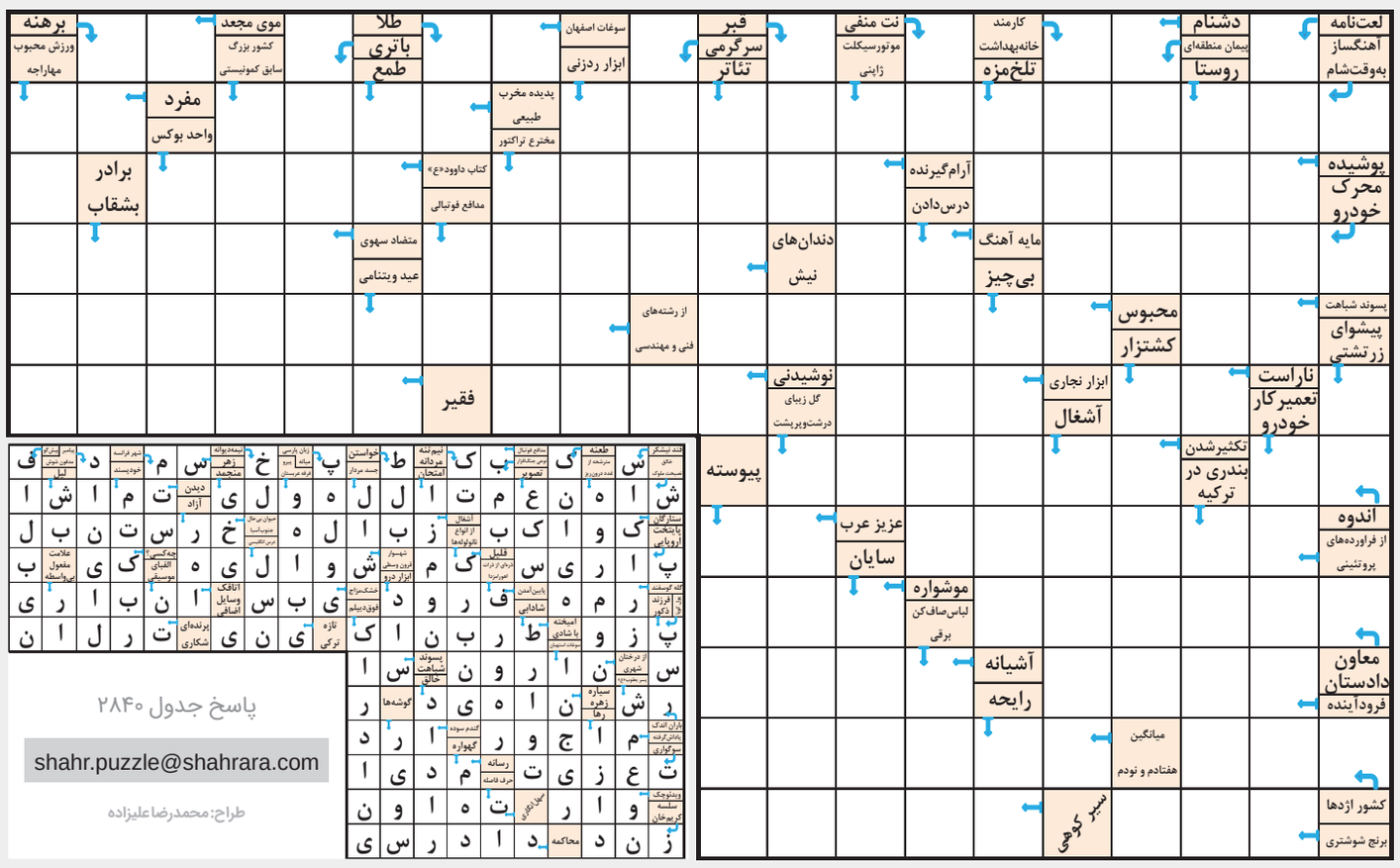

پاسخ جدول ۲۸۴۰

shahr.puzzle@shahrara.com

طراح: محمدرضا علیزاده

جا کتابی

اینجا زمین مردگان است یا زنده‌ها؟

کیمیا استاد | جسد دختری از طبقه ثروتمند تهران در باغ گیلاس -که حتی یک درخت گیلاس هم ندارد- در بزرگراه چمران، نزدیک پل ملاصدرا، پیدا می‌شود، آن هم در شرایطی که سگ‌ها چیز زیادی از صورت و بدن او باقی نگذاشته‌اند. کیاسا، علی زکریاپور و محمود هزارخانی، ۳ عشق تئاتری که نزدیک‌ترین دوستان پروانه هستند و خرج زندگی‌شان را همین دختر می‌داده است، مظنونان ابتدایی پرونده قتل هستند. در ادامه پای یک نفر دیگر به ماجرا باز می‌شود که به قتل اعتراف می‌کند اما کاراگاه ویژه این پرونده زیرک‌تر از آن است که چنین اعترافی را باور کند. بنابراین برای روشن شدن حقیقت به مکان‌هایی پا می‌گذارد که در خلالش حس می‌کند برای نخستین‌بار درگیر یک پرونده متافیزیکی شده است. «دست بد» تازه‌ترین اثر شهریار وقفی‌پور است که سال گذشته در نشر نیماژ منتشر شد و آذرماه گذشته به چاپ دوم رسید. این رمان عزمش را جزم کرده است در قالب سبک‌های جدید داستان‌نویسی، ماجرایی پلیسی را خلق کند. در دل این قصه معمایی، معضلات اجتماعی نیز مطرح می‌شود.
«دست بد» رمانی تقریبا خطی است که به سمت گره‌گشایی و حل ماجرا پیش می‌رود. همین ۲ ویژگی خطی بودن و حل معما نقطه اشتراک «دست بد» با داستان‌های ژانر است، اما این اثر با فضاهای فراواقعی‌ای که خلق می‌کند پایش را از دایره معمول داستان‌های ژانر فراتر می‌گذارد. زبان داستان خالی از سرکشی و شیطنت‌های روشن‌فکرانه نیست. از همین روست که از یک سو کلی‌گویی‌های حکایات فارسی را دارد و حتی در بخش‌هایی ما را با نثر کهن ادبیاتمان روبه‌رو می‌کند و از دیگر سو به سمت زبان ترجمه حرکت کرده است.
اما مهم‌ترین هنرنمایی نویسنده در خلق و برپا کردن صحنه و فضاست. می‌توان مکانی را که قتل پروانه در آن اتفاق افتاده است روی نقشه تهران با انگشت نشان داد اما ماجراهای عجیبی که در این محله اتفاق می‌افتد ما را به یاد فضاهای رئالیسم جادویی مارکز و در بخش‌هایی نیز به یاد داستان‌های وهمی بورخس می‌اندازد.
شخصیت کاراگاه عرب‌زاده، شبیه آنچه از پلیس‌های ایرانی در ذهن داریم نیست. او مرد مجرد و تنهایی است که عاشق ریاضیات، فلسفه و گل‌کاری است و به خواندن رمان‌های جنایی و نیز آثار ویتگنشتاین علاقه زیادی دارد. قهوه می‌خورد و سیگار می‌کشد. ساندویچ ژامبون می‌خورد. تنهاست، خیلی تنها. به زن‌ها بی‌اعتماد است و زندگی‌اش عاری از هرگونه رخداد و عظمت است. در حقیقت، او شبیه شخصیت‌های پست‌مدرن، انسانی است چندهویتی، حاصل فرهنگی پاره‌پاره، و افکار و گفتارش بین واقعیت و رؤیا در نوسان است. البته این چندپارگی را تقریبا در تمامی شخصیت‌های داستان می‌توان دید.

فیلم بین

خائن، مافیا به روایت ایتالیایی‌ها

عماد پورشهریاری | برای تماشای یک فیلم ممکن است انگیزه‌های زیادی شما را ترغیب کند. نام بازیگران، سبقه کارگردان، فهرست جوایز، موضوع و البته دلایل متعدد دیگر. «خائن» آخرین فیلم کارگردان مطرح ایتالیایی، مارکو بلوکیو، تقریبا تمام ویژگی‌های یک فیلم وسوسه‌کننده را دارد. بیش از هر چیزی این داستان «خائن» است که خودنمایی می‌کند. فیلم روایتی دراماتیک از اعتراف و خیانت «توماسو بوسکتا» یکی از سرکرده‌های بزرگ مافیای ایتالیاست. فروختن کله‌گنده‌های مافیا البته کار چندان راحتی نیست. حتی در زندان یا در کشوری بسیار دور هم همچنان مخاطره‌آمیز خواهد بود. ماجراهای دادگاه، سوءقصدها و نمایش عظمت سازمان‌های مافیایی داستان «خائن» است.
«خائن» تاکنون جوایز متعددی هم به دست آورده است. در خود ایتالیا احتمالا بهترین فیلم ۲۰۱۹ است و نماینده این کشور در مراسم اسکار امسال خواهد بود. در گلدن گلوب ایتالیا جایزه بهترین کارگردانی و موسیقی متن به «خائن» رسید. منتقدان سینمایی ایتالیا هم بهترین فیلم، کارگردانی، فیلم‌نامه، بازیگر، تدوین و موسیقی را به عوامل آن اهدا کردند. همچنین فیلم در جشنواره کن و برلین حضور داشت و در جایزه فیلم اروپا در ۴ رشته نامزد است. مارکو بلوچیو از کارگردان‌های سرشناس و کهنه‌کار ایتالیایی است. فیلم نامه مشهوری مانند «پرستار بچه»، «جهش در تاریکی»، «رؤیاهای شیرین» و «لبخند مادر من» از دیگر فیلم‌های اوست. ۷ بار نامزدی دریافت نخل طلای کن و حضور متعدد در جشنواره‌های برلین، لوکارنو و ونیز که مشتریان دائمی فیلم‌های او هستند تنها بخشی از عناوین تالار افتخارات اوست.
«خائن» فیلمی بزرگ، چشم‌نواز و یک درام گنگستری تمام‌عیار است که ماجراها و جنایت‌های مافیای ایتالیا از اوایل دهه ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰ را پوشش می‌دهد